

معنای سیاسی-اجتماعی کشتار 67

به مناسبت بیست و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی

رژیمی که چند هزار تن از مخالفین سیاسی خود را پس از محاکمات یک دقیقه ای کشتار کرد و در تاریکی شبهای مرداد و شهریور 67، بی نام و نشان، در گورهای دسته جمعی دفن کرد ضرورتاً با اکثریت مردم کشور مانند اسرای جنگی و بردگانی که باید سر به زیر انداخته و برای حاکمان حریص و فاسد نقش استران بارکش را بازی کنند رفتار می کرد. و بالعکس، رژیم که تولدش را با لشگرکشی علیه مردم کردستان و ترکمن صحرا و ریختن خون آنان جشن گرفت و بردگی زنان را سنگ بنای نظام جدیدش اعلام کرد در تداوم خود ضرورتاً باید به چنین جنایت هولناکی دست می یازید تا بتواند بی دغدغهی خاطر هر نشانهی شور و شعور، هر جرقه ای ابتکار و ابداع، هر بارقه ای امید و عزم به تغییر شرایط موجود را در نطفه خفه کند.

جلادان جمهوری اسلامی این کشتار را نابودی «مخاربین با خدا» اعلام کردند و تلاش کردند بدین نحو به آن مشروعیت بخشند. اما از آنجا که خدائی در کار نیست باید سرچشمه ای آن را در جانی دیگر جستجو کرد. کشتار 67 نشانگر محتوای اجتماعی و ماهیت طبقاتی جامعه ای بود که حکومت دینی جمهوری اسلامی در ایران برقرار کرد. این کشتار تبلور رابطه ای جمهوری اسلامی با اکثریت جامعه از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا تا زنان و جوانان و روشنفکران و متخصصین و ملل غیر فارس و اقلیت های دینی بود.

در جریان انقلاب 1357، کارگران و دهقانان، پرستاران، معلمان، زنان، و دانشجویان، روشنفکران اهل قلم و پژوهش و سایر اقشار مردم شوراها، اتحادیه ها و دیگر تشکلات انقلابی خود را به وجود آوردند؛ دیوارهای سانسور و استبداد را درهم کوبیدند؛ آزادانه زبان گشودند و ابراز عقیده کردند، گرد هم آمدند و احزاب و نهادهای انقلابی را تشکیل دادند. اما جمهوری اسلامی همه اینها را یکی پس از دیگری لگد مال و سرکوب کرد. شکنجه گاه ها و جوخه های اعدام دوباره به راه افتاد و زندان های رژیم مسلخ گاه بهترین فرزندان مردم که پیشاهنگان تحولات انقلابی جامعه بودند، شد. بدینگونه رژیم اسلامی کوشید رویای رهائی را از ذهن مردم بزاید و موجودیت خود را بعنوان «نظم طبیعی امور» در ذهن و روح مردم حک کند. هرچند رژیم در این امر شکست خورد اما پابرجائی تا کنونی اش به مقدار زیادی مدیون سرکوب دهه های شصت است که کشتار 67 اوج آن بود. بدون چنین داغ و درفشی رشد بیسابقه ای باورهای مذهبی زهرآگین در میان مردم و تسلیم آنان به قبول نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ممکن نبود.

چرا طبقات سرمایه دار جامعه و سخنگویان و نمایندگان سیاسی آنان (حتا آنان که رسماً بخشی از رژیم نبوده اند) هرگز به این خشونت ویرانگر جمهوری اسلامی اعتراض و به این تاریخ اعتنائی نکردند؟ دلیل بنیادین و نهائی اش آن است که این دولت به منافع طبقات استثمارگر و به بازتولید و گسترش روابط طبقاتی ستم و استثمار سرمایه داری خدمت می کند و با استفاده از شریعت اسلام که به ارث مانده از قوانین دوران برده داری است به آن مشروعیت می بخشد. هنگامی که دسته ای از مرتجعین جمهوری اسلامی تحت عنوان «اصلاح طلبان» به جرگه ی «مخالفین» پیوستند وجود زندانی سیاسی و سرکوب سیاسی را در چارچوب سرکوب خودشان معنی کردند و تاریخ همدستی شان در قتل عام های زندانیان سیاسی در دهه 60 و بخصوص سال 67 را پنهان کردند. سخنگویان اصلاح طلب بارها تاکید کردند که کشتار فعالین سیاسی خلق عرب در خوزستان، سرکوب مردم ترکمن صحرا و کردستان و حبس و اعدام کمونیست ها و مجاهدین در دوران بعد از استقرار جمهوری اسلامی ضروری بوده است. آنان خوب می دانند که با وجود دعوای قدرت درونیشان، کار دولت و ساختارهای حکومتی (بخصوص نیروهای مسلح، امنیتی و انتظامی و زندان و دادگاه) حفاظت از منافع جمعی این گروه و تسلط شان بر ثروت های اجتماعی (زمین، کارخانه، نفت و کار کارگر و دهقان و دیگر کارکنان جامعه) است. اینان با اعمال دیکتاتوری دولت علیه اکثریت مردم حرفی ندارند. فقط اعتراض شان به آن است که این دیکتاتوری گاه به درون «خودی ها» نیز تعمیم می یابد. برای همین از نظر اینان زندان سیاسی و زندانی سیاسی از دورانی که اصلاح طلبان دستگیر و زندانی شدند (یعنی از دهه 1380 به بعد) شروع می شود و نه از دهه شصت. کشتار 67 که در زمان نخست وزیر موسوی انجام شد در تقویم اینان هرگز جانی نداشت. تنها پس از سال 88 و زیر فشار آگاهی توده های مردم موسوی مجبور شد به ارتکاب این جنایت هولناک توسط جمهوری اسلامی اعتراف کند اما در نهایت بیشماری ادعا کرد که در زمان نخست وزیر اش از چند و چون این جنایت خیر نداشت! پس از آن نیز این مرتجعین اصلاح طلب به حداکثر تلاش کردند کشتار 67 را صرفاً تبدیل به یک پاورقی در تاریخ جمهوری اسلامی کنند در حالیکه فشارهای جمهوری اسلامی به دارودسته ی خود را به «عاشورای کربلا» تشبیه می کنند.

حکومت ها و رسانه های امپریالیستی نیز در باره این کشتار موزیانه سکوت کردند. در روزهای محاکمات يك دقیقه ای و دار زدن ها، مذاکرات و توافقات پشت پرده دولتهای امپریالیستی غرب با جمهوری اسلامی جریان داشت. کشورهای امپریالیستی بدقت از رخداد این فاجعه مطلع بودند. اما منافعشان ایجاب می کرد که از تثبیت رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنند. آنان پس از وادار کردن خمینی به قبول شکست در جنگ ایران و عراق و سر کشیدن جام زهر به حکام اسلامی ایران چراغ سبز دادند که برای ممانعت از خیزش های انقلابی و امن کردن محیط ایران برای استثمار و چپاول سرمایه داری جهانی می توانند دست به هر جنایتی زنند. بهمین دلیل سازمان ملل که کلوق بین المللی آنان است در مورد این جنایت خونین سیاسی لب فرویست. هدف جمهوری اسلامی (و سکوت حمایت گزانه ی قدرت های امپریالیستی) از این کشتار، نابود کردن آرمان انقلاب و کمونیسم بود تا مردم فراموش کنند که شرایط فلاکت بارشان ضرورت و «نظم طبیعی امور» نیست بلکه

نتیجه‌ی کارکرد خود این نظام است. فراگیر کردن تاریخ کشتار 67 و محتوای اجتماعی و ماهیت طبقاتی آن در میان مردم بخش مهمی از تدارک سیاسی برای **سرنگونی انقلابی** جمهوری اسلامی است. آگاه‌گری در این باره باید تبدیل به بخشی از ساختن **جنبشی برای انقلاب** شود.

مردم باید به این فصل از تاریخ خونین جمهوری اسلامی آگاه شده و رابطه‌ی آن را با شرایط ستم و استثمار خود دریابند. آگاه‌گری در این باره وظیفه‌ی کمونیست‌های انقلابی است. زنده نگاه داشتن یاد و خاطره‌ی جانباختگان کشتار 67 فقط با تازه کردن آرمان‌های انقلابی و تبلیغ و ترویج آن در میان مردم با هدف **تبدیل صدها نیروی انقلابی آگاه به صدها هزار نیروی انقلابی آگاه** میسر است.

اگر می‌خواهیم زندانی سیاسی و کشتار پیشاهنگان امر رهایی جامعه از نکبت استثمار، فقر و محرومیت، ستم بر زن، بیکاری، ستم بر ملل غیر فارس و ... نباشد باید قبل از هر چیز باید با قدرت سیاسی تعیین تکلیف کنیم. باید جمهوری دینی بهره‌کشان و غارت‌گران حیات و ممت مردم را سرنگون و دولتی بنا کنیم که به جای خدمت به منافع اینان منافع اساسی اکثریت مردمی را که در زیر ستم و استثمار جمهوری اسلامی هستند نمایندگی کند. دولتی برقرار کنیم که نهادها و ارگان‌های حکومتی‌اش طبق منافع اساسی اکثریت مردم شکل گیرد و ابزار دست و سلاح پوالتاریا و توده‌های وسیع مردم برای ریشه‌کن کردن روابط استثمارگرانه و ستم‌گرانه‌ی جمهوری اسلامی و از نظام طبقاتی بطور کل باشد.

این هدفی است که هدایت‌کننده‌ی کلیه‌ی کوشش‌ها و تکاپوی سیاسی حزب ماست. ما تلاش می‌کنیم آن را به هدف زندگی افشار فزاینده‌ای از مردم تبدیل کنیم تا قشری آگاه و سازمان‌یافته در میان مردم شکل گیرد و قطبی شود که فرهنگ مردم را ارتقاء می‌دهد، با سیاست انقلابی آگاهشان می‌کند، چشم‌اندازشان را در مورد جامعه‌ای که می‌توان و باید ساخت گسترش داده و در آنان امید و انتظارات بزرگ رهایی بخش و انقلابی بوجود می‌آورد تا مسیر رهایی هموار شود.

بیست و سه سال پیش ماشین اعدام جمهوری اسلامی به مدت چند هفته بی‌وقفه در سراسر کشور کارکرد و هزاران تن از پیشروترین زنان و مردان این کشور را درو کرد. کامیونها و کانتینرها شبانه و دزدانه بیکر این گوهران سرزمین ما را در دل گورهای دسته‌جمعی پنهان کردند تا نام و نشانی از آنان نماند؛ تا وقتی کودکان به سن جوانی می‌رسند با برهوتی روبرو شوند و چنین انگارند که در این سرزمین علیه تبهکاران حاکم هیچ شورش و مبارزه‌ای در کار نبوده است. آمران و عاملان کشتار 67 کوشیدند این واقعه را از حافظه جامعه پاک کنند. سران و نظریه‌پردازان هر دو جناح رژیم مشترکا همه تلاش خود را بکار بردند تا نسل جوان آرمانها و اهداف آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه آن مبارزین اسیر را نشاناسد و از حماسه‌آفرینی قهرمانانه آنان در سیاهچالهای جمهوری اسلامی بی‌خبر ماند؛ تا دختران جوان ندانند که شمار بزرگی از این دلاوران زنانی بودند که بر بالهای انقلاب 57 در فضای سیاسی کشور به پرواز درآمدند، زنجیرهای سنت را شکستند، ترانه آگاهی خواندند، برای رهایی ستمدیدگان جنگیدند و جان بر سر پیمان خویش نهادند.

بی‌پاسخ ماندن این جنایت غول‌آسا حاصلی جز قهقرای بیشتر جامعه و تباهی برای نسل‌های آینده نخواهد داشت. پیام جانباختگان 67 باید از دالان تاریخ پژواک کند و به گوش مردم رسد: نباید به مظالم و بی‌عدالتی‌های مستمر نظام جمهوری اسلامی تن داد؛ باید برخاست و ساختارها و نهادهای قدرت آن را همراه با نظام اجتماعی و اقتصادی‌اش درهم کوبید و زمین حاصلخیزی را برای شکفتن جامعه‌ای که نیازی به روابط ستم و استثمار و جهل و خشونت برخاسته از آن ندارد فراهم کرد.

پیش به سوی سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست ایران (مارکسیست _ لنینیست _ مائونیست)
شهریور 1390

آدرس نارنما www.sarbedaran.org
آدرس پستی 900211, 51112 koln, Germany
پست الکترونیکی Haghighat@sarbedaran.org